

کتاب ایوب

جلسه ۲۸: الهیات رنج و کتاب ایوب

نوشته جان والتون

این جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه ۲۸، رنج و کتاب ایوب است.

مقدمه [۱:۰۳-۰۰:۲۲]

اکنون می‌توانیم توجه خود را به الهیات رنج در کتاب ایوب معطوف کنیم. حتی هنگام انجام این کار، به یاد داشته باشید که متوجه شدیم این کتاب واقعاً برای کمک به ما در یافتن پاسخی برای رنج طراحی نشده است و واقعاً برای ارائه الگویی برای اینکه رنج چگونه باید باشد و چگونه باید به آن واکنش نشان دهیم، طراحی نشده است. این کتاب فقط قصد دارد به ما کمک کند تا هنگام رنج کشیدن به طور مناسب در مورد خدا فکر کنیم. اما با این حال، می‌توانیم چند عنصر مهم الهیات رنج را در کتاب ایوب شرح دهیم.

سطوح و انواع رنج [۲:۱۹-۱:۰۳]

وقتی در مورد رنج صحبت می‌کنیم، البته، می‌توانیم در مورد سطوح مختلف و متعددی صحبت کنیم. می‌توانیم در مورد رنج فیزیکی با درد یا آسیب مزمن یا ناتوان‌کننده صحبت کنیم. می‌توانیم در مورد رنج روانی: غم، شرم، اضطراب، روابط توهین‌آمیز یا از هم پاشیده صحبت کنیم. می‌توانیم در مورد رنج‌های موقعیتی، زندگی با اختلال خوردن، اچ‌ای‌وی یا یک بیماری عصبی صحبت کنیم. حتی می‌توانیم در مورد رنج جایگزین صحبت کنیم، زیرا از سالمندان یا بیماران لا علاج مراقبت می‌کنیم، رنج می‌بریم زیرا کسانی که در نزدیکی ما هستند رنج می‌برند. در نهایت، می‌توانیم در مورد رنج سیستماتیک فکر کنیم، زیرا کسانی را که توسط رژیم‌های سرکوبگر، قربانیان قاچاق انسان، گرسنگی و بیماری تهدید می‌شوند، در نظر می‌گیریم. آنگاه می‌بینیم که رنج در سطوح بسیار مختلفی در تجربه ما و در دنیای ما وجود دارد. رنج می‌تواند ما را بشکند و این مشخصه دنیای شکسته‌ای است که در آن زندگی می‌کنیم.

سوالاتی که رنج و عذاب مطرح می‌کند [۴:۳۲-۲:۱۹]

بنابراین، هر الهیات رنج، چگونگی تفکر ما در مورد خدا را در ارتباط با رنج بررسی می‌کند. این کاری است که یک الهیات رنج باید انجام دهد. بنابراین، می‌توانیم مسائلی مانند این را در نظر بگیریم: چرا خدا جهانی را خلق کرده است که در آن چنین رنجی می‌تواند وجود داشته باشد؟ چرا او اجازه می‌دهد که این رنج ادامه یابد؟ چرا این اتفاق برای من می‌افتد؟ آیا خدا سعی دارد چیزی را به من بیاموزد؟ آیا من کار اشتباهی انجام داده‌ام؟ اینها برخی از

مسائلی هستند که باید به آنها بپردازیم. اساساً، چگونه خدایی که کاملاً خوب و قادر مطلق است و با عدالت و شفقت مشخص می‌شود، می‌تواند جهانی را که در آن رنج تا این حد فراگیر است، اجازه دهد، چه رسد به اینکه خلق کند؟ البته، شکاکان هم روش‌های خودشان را برای بررسی این موضوع دارند. آن‌ها می‌گویند ما فقط داریم برای یک خدای ناکافی بهانه می‌آوریم، که یا خدایی وجود ندارد یا چنین خدایی که اجازه چنین چیزهایی را می‌دهد، شایسته پرستش ما نیست.

اگر ما به دنبال تلاش برای تبرئه خدا باشیم، باید با این فرض عمل کنیم که او باید با معیارهای بیرونی مطابقت داشته باشد، که اینطور نیست، و می‌توانیم پشت میز قاضی بنشینیم تا مشخص کنیم که آیا او در برآورده کردن انتظارات ما موفق بوده است یا خیر. ما نه از خدا می‌خواهیم که در مورد خودش پاسخگو باشد و نه اینکه چرا زندگی ما یا جهان به این شکل است. هیچ الهیاتی در مورد رنج از این امر حاصل نمی‌شود. در نهایت می‌خواهیم بدانیم که کتاب ایوب چه کمکی می‌تواند به ما در یادگیری نحوه تفکر در مورد خدا در پرتو رنج، چه شخصی و چه جهانی، بکند. بنابراین، بیایید با پنج دیدگاه به این موضوع بپردازیم.

پنج دیدگاه در مورد رنج:

رنج برای همه انسان‌ها عمومیت دارد [۴:۳۲-۵:۰۷] (۱)

اول از همه، رنج، سرنوشت همه بشریت است. اگر اکنون رنج نمی‌برید، احتمالاً در نهایت رنج خواهید برد. رنج، سرنوشت همه بشریت است. و از این نظر، انتخاب و گزینش یک نفر برای رنج بردن اینجا و یک نفر برای رنج بردن آنجا نیست. این چیزی است که همه ما به صورت جمعی و فردی تجربه می‌کنیم، برخی بیشتر، برخی کمتر آشکار.

رنج، بخشی از آفرینش در حال انجام است [۵:۰۷-۷:۵۴] (۲)

دوم، رنج، یکی از احتمالات خلقت در حال انجام است. ما هنوز در جهانی با نظم کامل زندگی نمی‌کنیم و تا زمان خلقت جدید نیز نخواهیم کرد. در این صورت، رنج یکی از احتمالات مورد انتظار است زیرا نظم هنوز به طور کامل محقق نشده است. هم بی‌نظمی و هم بی‌نظمی مسئول رنج هستند. طرح خدا این بود که ما را با سیستم عصبی خلق کند که از طریق آنچه به عنوان درد تجربه می‌کنیم، نسبت به آسیب‌های احتمالی هشدار دهد. خدا ما را اینگونه خلق کرده است. اگر سیستم عصبی ما از کار بیفتد، مشکلات بزرگی خواهیم داشت. خدا ما را با احساسات خلق کرده و از طریق احساساتمان، می‌توانیم احساسات آسیب‌دیده را تجربه کنیم. اگر نمی‌توانستیم چیزی را احساس کنیم، چه از نظر جسمی و چه از نظر عاطفی، نمی‌توانستیم آسیب ببینیم. آیا فکر می‌کردیم که خوب است که خدا ما را با سیستم عصبی و با احساسات آفریده است؟ از آنجایی که ما قادر به عشق ورزیدن هستیم، در برابر درد آسیب‌پذیر هستیم زیرا عشق اغلب در این زندگی به درد منجر می‌شود. در این دنیا، با این نوع بدن‌ها، رنج

اجتناب‌ناپذیر است. ما باید این را در انتظارات خود بگنجانیم. عادی را نمی‌توان به عنوان زندگی عاری از رنج تعریف کرد. این عادی نیست. با توجه به واقعیت‌های خلقت در حال انجام، باید تعریف جدیدی از امر عادی ارائه شود. اگر انتظار رنج را داشته باشیم، وقتی آن را تجربه می‌کنیم، غیر عادی به نظر نمی‌رسد. این امر تحمل رنج را آسان‌تر نمی‌کند، اما می‌تواند بر نگرش ما نسبت به آن تأثیر بگذارد. ما به خاطر رنج کشیدن منحصر به فرد نبوده‌ایم. به عنوان یک نژاد بشر، رنج چیزی است که ما تجربه می‌کنیم.

رنج ذاتاً به گناه مربوط نیست [۵۴:۷-۲۶:۱۱] (۳)

سوم، رنج ذاتاً با گناه مرتبط نیست. رنج می‌تواند گاهی اوقات نتیجه بی‌نظمی باشد. کسی مرتکب گناه می‌شود و دیگری به خاطر آن رنج می‌کشد، اما می‌تواند در نتیجه خلقت ناقص و بی‌نظم نیز تجربه شود. برخی از رنج‌ها بدون شک نتیجه طبیعی مستقیم گناه هستند. بدون شک. خدا می‌تواند از رنج به عنوان مجازات گناه استفاده کند، اما ما هرگز نمی‌توانیم فرض کنیم که رنج ما یا هر کس دیگری عملی از مجازات خداست. فقط صداها‌ی نبوی در کتاب مقدس می‌توانند تشخیص دهند که چه چیزی مجازات خدا بوده و چه چیزی نبوده است. ما چنین صداها‌ی نبوی نداریم. ما می‌توانیم به خوبی باور داشته باشیم که آنچه را که کاشته‌ایم درو خواهیم کرد (غلاطیان ۶:۷)، اما این به ما اجازه نمی‌دهد که بین رفتار و شرایط، تطابق یک به یک برقرار کنیم. با این حال، رنج می‌تواند ما را به ارزیابی زندگی خود سوق دهد تا مشخص کنیم که آیا در مسیر درست هستیم یا خیر. اعتماد به حکمت خدا قوی‌ترین توصیه‌ای است که کتاب مقدس ارائه می‌دهد. این باید کافی باشد.

اعتماد از پرسیدن این سوال که چرا خدا چنین کاری کرد؟ یا چرا اجازه داد چنین اتفاقی بیفتد، خودداری می‌کند؟ ما را به قلمرویی می‌برد که در آن هیچ ابزار جهت‌یابی برای جهت‌یابی ما وجود ندارد. خدا نه همه شرایط را جزئی مدیریت می‌کند و نه هر اتفاقی را که در زندگی شما یا من می‌افتد، تأیید می‌کند. با این حال، اشتباه در جهت مخالف این خواهد بود که فکر کنیم او از ما فاصله گرفته و بی‌تفاوت بوده است.

من حتی در مورد استفاده از اصطلاحاتی مانند «اجازه دادن» و «اجازه دادن» هم تعجب می‌کنم. فکر نمی‌کنم که باید از آنها به گونه‌ای استفاده کنیم که خدا را مقصر جلوه دهیم. اینها تنها کلماتی هستند که می‌توانیم تا حدودی او را از آنها حذف کنیم، اما این زبان ماست و برای توضیح خدا کافی نیست.

جان پوکینگهورن این جمله را بیان کرده است که «رنج و شر جهان به دلیل ضعف، سهل‌انگاری یا سنگدلی خداوند نیست، بلکه آنها هزینه اجتناب‌ناپذیر خلقتی است که اجازه داده شده غیر از خدا باشد.» «هزینه اجتناب‌ناپذیر خلقتی» که اجازه داده شده غیر از خدا باشد

رنج به عنوان فرصتی برای تقویت ایمان [۲۶:۱۱-۱۴:۱۸] (۴)

چهارم، در الهیات رنج، دیدگاه‌هایی که می‌توانیم اتخاذ کنیم. می‌توانیم تشخیص دهیم که گاهی رنج می‌تواند فرصتی برای تعمیق ایمان ما فراهم کند. هر میزان رنجی که هر یک از ما در زندگی خود تجربه کرده‌ایم، آن رنج در ساختن ما به آنچه هستیم، چه خوب و چه بد، نقش داشته است. من شما را به رومیان ۵:۳ ارجاع می‌دهم. ما نمی‌توانیم بر اساس آموزه‌های کتاب مقدس نتیجه بگیریم که خدا می‌خواهد همه سالم و شاد باشند. بنابراین، ما فقط باید با ایمان بخواهیم که وضعیت ما حل شود. ممکن است خدا چنین تصمیمی نگیرد. ما می‌توانیم برای شفای خود و دیگران دعا کنیم. ما باید ایمان داشته باشیم که خدا اگر بخواهد می‌تواند شفا دهد، اما ما در موقعیتی نیستیم که از او درخواست کنیم. وقتی خدا از عبور دادن قوم خود اسرائیل از آب صحبت می‌کند، باید درک کنیم که این با کمک به آنها برای جلوگیری از آب‌های متلاطم متفاوت است. او قرار است آنها را در دوران سخت ببیند. شاید برای ما مهم‌تر باشد که دعا کنیم خدا ما را برای تحمل رنج و وفاداری به او در طول زمان آزمایش یا بحران تقویت کند، نه اینکه آن را از ما بگیرد.

مهم است که با ناامیدی از خدا پاسخ ندهیم. خدا در اجرای اهداف خود کوتاهی نمی‌کند و دچار لغزش نمی‌شود. اگر به نظر ما می‌رسد که او انتظارات ما را برآورده نکرده است، مشکل از او نیست. ما باید انتظارات خود را دوباره بررسی کنیم. برای ما مهم است که سعی کنیم در بدترین شرایط زندگی به خدا احترام بگذاریم. باید تلاش کنیم حتی زمانی که امید از بین رفته است به او اعتماد کنیم. این همان چیزی است که خدا از ما انتظار دارد. ما در جهانی هستیم که در معرض رنج است و نحوه واکنش ما به آن به معنای همه چیز است.

۵) مشارکت در رنج مسیح [۱۵:۱۸-۱۵:۰۱]

در نهایت، دیدگاه پنجم این است که وقتی رنج می‌بریم، در رنج مسیح سهیم هستیم. مسیح راه متفاوتی را نشان می‌داد که از طریق شکست، پیروزی را به ارمغان می‌آورد، که صلیب به طور قانع‌کننده‌ای آن را گواهی می‌دهد، ما نباید همیشه انتظار رهایی از دشمنان را داشته باشیم. من شما را به فیلیپیان ۳:۱۰ ارجاع می‌دهم. بنابراین می‌توانیم سعی کنیم در حالی که تصور می‌کنیم در رنج مسیح سهیم هستیم، در برابر رنج خود مقاومت کنیم.

نتیجه‌گیری [۱۵:۴۹-۱۵:۰۱]

هیچ یک از این موارد نشان نمی‌دهد که باید انتظار داشته باشیم رنج از زندگی ما حذف شود. این وضعیت جهان ما و رفتاری انسانی ماست. نباید به دنبال سرزنش خدا باشیم. بلکه باید به این موضوع توجه کنیم که چه اهدافی را می‌توان از طریق رنج‌هایمان، در حالی که در زندگی خود به او شهادت می‌دهیم، محقق کرد. بنابراین، بخشی از الهیات کتاب نیز در همین راستا است.

اکنون می‌خواهیم توجه خود را به خلاصه کردن پیام کتاب ایوب معطوف کنیم، و این در بخش بعدی خواهد بود.

این جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه ۲۸، رنج و کتاب ایوب است. [۱۵:۴۹]